

سرانجام ازدواج مرد نوظفچی با زن میلیاردر

دو همسر مرد نوظفچی همدیگر را بشدت کتک زدند

مرد نوظفچی وقتی بازن میلیاردر سر سفره عقد نشست به در دسر بزرگی افتاد.

به گزارش شبکه خبر، به دنبال تماس مردمی با مرکز فوریت های پلیسی در ارتباط با دعوی ۲ زن در یکی از خیابان های شمال تهران، ماموران با حضور در صحنه درگیری هر ۲ زن را دستگیر و آنها را برای بررسی پرونده هایشان به شعبه ۵ دادسرای شمیرانات انتقال دادند. در تحقیقات مشخص شد آذنی که بایکدیگر درگیر شده اند، همسران یک نوظفچی هستند.

همسر اول مرد نوظفچی به باز پرس نیک صفت گفت: شوهرم برای انجام کارهای نظافت به خانه های مردم می رفت و خرج زندگی مان را از این راه تامین می کرد.

شوهرم وقتی گفت یک زن میلیاردر به وی پیشنهاد ازدواج داده است از من خواست موافقت کنم. او می گفت برای مدت کوتاهی زن میلیاردر را به عقد موقت خود در آورده و پس از آن با گرفتن پول و خانه از او جدا می شود. من هم ناچار شدم به خاطر شرایط بد زندگی مان بپذیرم. شوهرم می گفت این زن میلیاردر پیشنهاد داده یکی از خانه هایش را به نامش خواهد کرد.

این زن اضافه کرد: ابتدا پذیرفتم و خوشحال شدم چون تصور می کردم شرایط زندگی مان تغییر می کند، اما وقتی پی بردم همسرم او را به عقد دائم خود در آورده و با هم زندگی می کنند، نتوانستم وجود زن دیگری را تحمل کنم.

وی تصریح کرد: شوهرم را از دست داده ام. او کمتر به

خانه می آید و به هیچ کدام از وعده هایش نیز عمل نکرده است. من هم به خانه مجلل هوویم رفتم و از او خواستم که دست از سر شوهرم بردارد و بعد ادامه درگیری به خیابان کشیده شد و با هم کتک کاری کردیم.

مرد جوان نیز به باز پرس گفت: چندی پیش برای کار به خانه اعیانی زنی رفتم؛ این زن تنها زندگی می کرد و ثروت زیادی داشت. پس از چند روز او از من خواستگاری کرد و گفت چند خانه دارد و درآمدش خوب است و اگر با او ازدواج کنم یکی از خانه هایش را به نام من می کند.

مرد افزود: با آن که این زن ۱۰ سال از من بزرگ تر بود، اما پیشنهاد و سوسه کننده اش موجب شد موضوع را با همسرم در میان بگذارم و از وی خواستم درباره این پیشنهاد تصمیم

بگیرد. همسرم نیز پیشنهاد را پذیرفت و گفت باید خانه اش را به نام ما بزند، اما زن میلیاردر از من خواست او را عقد دائم کنم تا خانه اش را به نام من بزند. من هم به همسرم چیزی نگفتم، اما وقتی این موضوع را متوجه شد با من تماس گرفت و شروع به ناسزاگویی کرد. سعی داشتم آرامش کنم، اما بی فایده بود. همسرم با عصبانیت به خانه همسر دومم رفت و با هم درگیر شدند.

مرد نوظفچی گفت: من نیز در بین این دوراهی گرفتار شده ام. همسر اولم را دوست دارم و فقط به خاطر پول و خوشبختی او تن به ازدواج دوم دادم. پس از اظهارات این مرد، ۲ زن از یکدیگر به اتهام فحاشی و ضرب و شتم شکایت کردند و پرونده شان در حال رسیدگی است.